

خدايگان ملوك زمانه سيف الدين
پای خود بسپردی جبین مهر و سپهر
امل ز نعمت احسان تو بر آسوده
بدان خدای که از صنع خویش پیدا کرد
بصدق ناله داوود و حق نوحه نوح
بدوزخ و بهشت و بطوبی و کوثر
که جان بنده حمیدی اختیار را
مباد خالی شش چیز خسرو از شش چیز
کف از کفایت و پا از کاب و تیغ زدست

رئیس حسن صلاح برجندی

رخم هوای نگاری بخون خضاب کنند
چه فتنه هاست در آن نوک نوک مشرگان
بالمطف باریک جانم کرشمه خوش او
چنان بدرد بنالم که زهره بر گردون

که عالمی بسر غمزه خراب کنند
که صدهزار دل از درد خود کباب کنند
چنان کنند که سر زخمه با رباب کنند
بسان گندم بر تابه اضطراب کنند

حاجی بابا کیست ؟ حاجی بابا افسانه نیست

بیشتر از سی سال پیش کتاب حاجی بابا را خواندم و کنجکاوای موریه انگلیسی که مولف کتاب شناخته شده همیشه بنظرم شگفت میآمد زیرا در صدوسی سال پیش مردم کشور ما از آمیزش با بیگانگان احتراز میکردند و باینجهت بنظرم خیلی مشکل میآمد که بکنفرانجیبی توانسته باشد تا این اندازه در جزئیات امور زندگی آنها باریک شده باشد.

چند سال بعد وقتی درکنار خیابان بیک توده کتاب کهنه بر خوردم

که برای فروش رویهم ریخته بودند بامختصر کاوش در آن توده کتاب يك کتاب زمین شناسی انگلیسی در آنها یافتیم و يك ربال خریدیم بعدها که در سر فراغت کتاب را زیرورو میکردم دیدم کتاب در سال ۱۸۱۰ مسیحی چاپ شده و از قرار معلوم اولین کتابی است که بطرز تحقیقات جدید در این علم تالیف شده و از این حیث مورد توجه است از این گذشته یاد داشتی در پشت اولین برگ کتاب بزبان انگلیسی یافتیم که بیشتر توجهم را جلب کرد این یاد داشت حاکی است که استاد ویلیام بوکلند پروفیسور معدن شناس در ۱۲ ژوئن ۱۸۱۰ يك مجلد کتاب موجود نزد نکارنده را در همان سال انتشار ۱۸۱۰ بحاجی بابا هدیه کرده است .

پس اینطور اندیشیدیم که حاجی بابا نامی در آن زمان میزیسته که انگلیسی میدانسته و اهل علم بوده با اروپا و اروپائی سروکار داشته است و قاعده باید بانگلستان رفته باشد .

با این مقدمات آیا ممکن نیست که کتاب معروف بحاجی بابا تألیف همین حاجی بابا باشد ؟ زیرا علاوه بر اینکه تاریخ تالیف کتاب بادوران زندگی حاجی بابا تطبیق میکند بخاطر دارم که در مقدمه کتاب حاجی بابا بیان شده است که (در سرحد ایران و عثمانی مرا بیالین يك مریض بردند بخيال اینکه طبیب هستم این مریض ایرانی بود و با حال بد در کاروانسرا افتاده بود من مسهل همراه داشتم بمریض دادم و سبب بهبودی او شد و این کتاب را (مقصود کتاب حاجی بابا است) بمن اهدا کرد .

از این تصورها همچو نتیجه گرفتیم که شاید حاجی بابا نتوانسته است کتاب خودش را در ایران منتشر کند آن را يك نفر اروپائی داده و یا باسم يك نفر اروپائی منتشر کرده . مدتها برای پیدا کردن حقیقت مطلب و

شناختن حاجی بابا در فکر بودم فرض میکردم که ممکن است حاجی بابا کارمند سفارت ایران در لندن بوده است پس ممکن است در وزارت امور خارجه ایران و انگلستان بتوان نام و نشان او را بدست آورد.

در سال ۱۳۱۷ که آقای فروغی از مشاغل رسمی فراغت داشتند کتاب را بنظرشان رساندم و تصورهای خودم را عرض کردم بعد از غور در اطراف موضوع فرمودند این فرضها را نمیتوانم رد کنم زیرا بایاد داشت پروفیسور بوکلند مسلم است که حاجی بابا با مشخصاتی که بنظر آورده اید وجود داشته است ولی سبک کتاب حاجی بابا کاملاً اروپائی است نه ایرانی و باینجهت نمیتوان بهولت مؤلف بودن موریه انگلیسی را انکار کرد - عرض کردم مطابق بیانی که در مقدمه کتاب شده است مؤلف اصلی ایرانی بوده و شاید وقتی کتاب را بموریه داده او کتاب را بسبک اروپائی در آورده است فرمودند این احتمال هم بعید نیست پرسیدم بنظر حضرتعالی چگونه ممکن است حاجی بابا را شناخت آیا تصور میفرمائید حاجی بابا از کارمندان سفارت ایران مامور لندن بوده است و آیا از این راه میتوان سابقه او را بدست آورد فرمودند اگر چنین باشد فقط در لندن محتمل است. پس درصدد برآمدم که در لندن بجستجوی حاجی بابا پردازم.

دو نفر از دانشمندان ایرانی مقیم آنجا را بنظر آورده و تفصیل کتاب و یادداشت استاد بوکلند و تصورهای خودم را نوشتم و از برك اول کتاب یعنی یادداشت استاد بوکلند عکس برداشتم و همراه نامه فرستادم و استدعا کردم که در پیدا کردن حاجی بابا بذل مساعدت فرمایند. خوشوقتم که در پیمودن این راه اشتباه نکردم و شرح زیر نتیجه کاوشی است که برای شناسائی حاجی بابا بعمل آمد. چون اسم سه نفر از دانشمندان اروپائی هم بمیان

میاید مختصر شناسائی را که درباره آنها پیدا کرده ام عرض میکنم

- ۱- استاد کویه - این دانشمند فرانسوی که از قرار معلوم اول کسی است که بطرز نوین در زمین شناسی تحقیقات علمی کرده است از سال ۱۸۰۰ مسیحی تا ۱۸۴۲ سالی که فوت کرده در حدود شصت جلد کتاب تالیف کرده و از جمله آنها همین کتابی است که استاد بوکلند انگلیسی ترجمه کرده و یک جلد آن بحاجی بابا هدیه شده و نزد نگارنده موجود است
 - ۲- استاد ویلیام بوکلند انگلیسی - این استاد بدو در سالک روحانیون بوده بعد شوق زمین شناسی پیدا کرده و در هر دو رشته کار نمیکرده است از ۱۸۱۳ که سمت استادی زمین شناسی در اکسفورد انتخاب شده بین چهل و پنججاه کتاب نوشته است در سال ۱۸۱۵ کتاب زمین شناسی استاد کویه را از فرانسه بانگلیسی ترجمه و چاپ کرده و یک جلد آنرا (همین کتاب که نزد نگارنده است) بحاجی بابا هدیه نموده و اهداء کتاب را بخط خودش یادداشت کرده است
 - ۳- موریه انگلیسی در سال ۱۸۱۰ تا ۱۸۱۶ مسیحی در ایران نماینده سیاسی دولت انگلیس بوده و بعد بانگلستان برگشته و در آنجا عمر گذرانده است
 - ۴- میرزا حاجی بابا - در سال ۱۸۱۱ مسیحی سرهارد فرد جونس که از ماموریت سفارت ایران بلندن برمیگشته عباس میرزا دوقر جوان یکی میرزا کاظم و دیگری میرزا حاجی بابا را باو سپرده است که برای تحصیل همراه خود بانگلستان برد کاظم که پسر نقاش باشی عباس میرزا بوده برای آموختن نقاشی و حاجی بابا که پسر یکی از افسران بوده برای علم شیمی و پزشکی برگزیده شده بوده است
- بطوریکه حدس زده بودم معلوم شد حاجی بابا در پرونده های وزارت

امور خارجه انگلستان که حالا در جزء عتیقات درموزه انگلیس است سابقه دارد و خلاصه که از روی پرونده‌ها یادداشت شده این است .

در سال ۱۸۱۱ کاظم و حاجی بابا همراه سرهارد فرد جونس بانگلستان فرستاده شدند کاظم بعد از هیجده ماه توقف در ۲۵ مارس ۱۸۱۳ بمرض سل قوت کرده است حاجی بابا نامه ای بوزارت خارجه انگلیس نوشته و تقاضا کرده است برای خشنودی پدر و مادر او سنک روی قبر کاظم بگذارند این نامه بخط خود حاجی بابا و بزبان انگلیسی فصیح نوشته شده و کتیبه هم برای سنک قبر نوشته که در آن بکنند و آخرین احترامات را برای دوست و هم سفر خود تقدیم کرده است .

کاظم در کار نقاشی استعداد فراوان داشته و او را نزد یکی از بزرگترین استاد های نقاشی انگلیس سپرده بوده اند ولی عمرش کوتاه بوده و استعدادش را بجا نکرده است . از نکات جالب توجه این است که ماژور سوزرلند که مدتی سرپرست این دو محصل بوده در نامه که بتاريخ ۱۶ ژویه ۱۸۱۲ نوشته اظهار تاسف کرده است از اینکه کاظم و حاجی بابا خواندن و نوشتن فارسی را نمیدانسته و باینجهت انگلیسی را باشکال می آموزند . مخارج این دو نفر دانش آموز سه ماهه بسه ماهه قلمداد شده و در حدود ۳۲۷ تا ۳۰۳ لیره باختلاف تبدیل پول بوده است (لیره انگلیسی معادل یازده قران و کسری حساب میشده) و صورت حساب هزینه آنها در پرونده موجود است .

در سال ۱۸۱۵ لیوتنان کلنل داری از تبریز بانگلستان برمیگشته و عباس میرزا پنج نفر دیگر را همراه او بانگلستان فرستاده است باین ترتیب - میرزا رضا سلطان توپخانه برای آموختن علم توپخانه - میرزا جعفر برای بقیه در صفحه ۲۱۷